

حقیقت

شماره ۱۵۲ ۱۶ دی ۱۳۶۰

اخبار

نکته‌ای کوتاه و بدون تفسیر

استقلال اقتصادی - رل نفوسا - رسم ولایت

جلد ۱۰

رودرروئی مستقیم رژیم ولایت فقیه با طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است!

(با ددالشی بریا مدهای اعتمایات اخیر کارگری و وظایف کمونیستها)

<p>کارگران، اخراج موقت و در شرایط امروزی جامعه است. دانش کارگران و باج گیری از طبقه کارگر بروز نموده (و ادامه) اولیه برای جمهوری سوسیالیستی ایران سرکوب مقاومت و اعتراضات کارگری که بویژه زغداد است - فروش بونج به دولت، فادریه اعمال بصورت همه جا شده ازجا - سرکوب مقاومت بونج کارگران در نپ رژیم مستبد خمینی اعماق شده است. ولی در اعتمایات و مبارزات اخیر کارگری و بویژه در اعتمایات سیش از ۱۰ هزار نفری کارگران ایران ناسیو - نال، رژیم به مقابله زور و زورشی مستقیم با کارگزاران سوسیالیست پرداخت. این عدم مقابله با نهضت کارگری نه بمناسبتی تفسیری در سیاست رژیم، که بخاطر عدم توانایی و با ددالشی</p>	<p>انقلابی چه باید بکنند؟ ما در حقیقت شماره ۱۵۲ با درس گیری از واقع کمونیست جا مده و اعتمایات اخیر کارگری سیاست عمومی رژیم ولایت فقیه را در قبیل طبقه کارگر در شرایط کنونی مپا رزه، طبقاتی جاری در جامعه بررسی و تحلیل گسیل نمودیم. نوشتیم که سیاست حکومت در فعال طبقه کارگر (که البته محدود به طبقه کارگر نبوده و شامل تمامی اقشار و طبقات خلقی جامعه مان می شود) عبارتست از انتقال بحران اقتصادی بپوش طبقه کارگر (که تا بطل به ۴ شکل اساسی قطع بخشی از حقوق جنبشی</p>	<p>موج اعتمایات کارگری در یک ماه و اندی اخیر، که در مقاله مستقیم با سیاست سد کارگری رژیم ولایت فقیه در انتقال بحران اقتصادی جامعه بپوش طبقه کارگر صورت گرفت، با عدم سرکوب مستقیم این اعتمایات و اعتراضات از جانب رژیم مستبد و خیانت پیشه مواجسه گشت. در نتیجه شورای برای طبقه کارگر، بیشتر روان آن و نیروهای انقلابی و کمونیست مطرح می شود که با سیاست رژیم در فعال جنبش کارگری تفسیر کرده است یا نه؟ و در نتیجه کمونیست ها و نیروهای</p>
--	---	---

لهستان : آغاز پایان کار سوسیال امپریالیسم

(با ددالشی درباره درسیهای وقایع اخیر)

جدال میان حکومت نظامی سوسیالیست لهستان با کارگران و ملت لهستان ادامه دارد. مواج مقاومت کارگران لهستان در برابر حکومت نظامی به اشکال مختلف از صبح زود مسلحانه و اعتمایات سیاسی و تحصن ها گرفته تا اشکال پاشین سر مبارزه از قبیل کم کاری و مقاومت منفی و بلاخره فرار از کشور هر روز بوسیله خبرگزاریها مفا بره میشود و هر روز که میگذرد آشکارتر میشود که زئوال های سوسیالیست لهستان در آینده با دشواریهای فراوانشرا اقتصادی و سیاسی دست گریبان خواهند بود. هم اکنون در بسیاری از صحنه های زندگی در لهستان عملیات مفتضح و آژان های حکومت نظامی به رسمار

پن بست کنونی جنگ ایران و عراق و منافعی که هیئت حاکمه در پی آنست

پروانصا مرمی بلندیهای جولان توسط حکومت تجا و زکر و ملطه طلب اسرائیل جنب و جوشی در میان کشورهای عربی برای رفع اختلافات شکل گرفت تا بتوانند صفوف کشورهای عربی را در برابر اسرائیل متحد نماید. حافظ ابدرشین جمهوری سوریه در این میان دست بالا را گرفت و با سفرهای بی دریغی خود به کشورهای عربی بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس کوشید با رفع اختلافات میان این کشورها حبه متحده را برای دفاع از منافع خود در برابر اسرائیل بوجود آورد. حکومت لیبی که مدت ها بود با سعودیها و عراقیها سازگاری و حکا داشت، در چنین شرایطی با کسرا آمدن از مواج گذشته خود و سرقراری روابط عبادتی و

بقیه از صفحه اول
رودر روشی مستقیم

توجه به پارهای از آنهاست در اینها حاضر اهمیت است .
۱ - کم کردن ۱۵ تومان
ما با نه از حق اولاد و سایر بار
گا رگران و هم چنین کم کردن
۴ تومان برای هر روز غیبت
گا رگران از کمک هزینه ماهانه
آنان . که این دو مسأله مورد
بلافاصله بعد از تصویب کازگران
ایران تا صورتی صورت
پذیرفت .
۲ - مستطرا الخدست
کردن کازگران اعصاب پس
بویژه ایران تا صورتی صورت
افکالی مختلف ما دند ۱۰ روز
تا روز یک تا در اعسراج
دستی . بیشترین مستطرا
الخدست ها ۴ ماهه بوده اند .
تا اکنون بیش از هزار نفر
مضروب این مجازات از جانب
حکومت شده و شاید بعد از آن که به
جدهزار نفر خواهد رسید . در
این زمینه حتی کازگران
ما تا بقیه که پیش از این
تا بقیه کازگری دارند
مضمول شده اند .
۳ - دستگیری زندانی
گروهی برخی از کازگران
اعصابی و بیشتر بویژه در
ایران تا صورتی صورت
آورده می شود و بعضی در
"بیگان غیر" بطوریکه یک
گروهی بنا کمینه تا صورتی
در صورت غریبی بیگان
بویژه آمده که بصورت گشتی
در کازگری - ترکیه مطلع و حاصل
الحد ۳۰۰ و دیگری مجزبه
بهر نیم روز و لو کرده اند
در این کمیته حزب اللهیهای
کازران تا صورتی صورت
نیز شرکت دارند . این کمیته و

گشتی های مطلق اند که از
تصمیمات کازگری جلوگیری
کنند . بهین جهت حتی از جمع
کازگران در روزا رست
جلوگیری نموده و با سدا ران
مطلع دست به متفرق نمودن
کازگران زنده .
۲ - و با لاغری سفلت
رسمی دولت با تشکیل هر نوع
شورای کازگری اعلامی در
کازرانجا تا . و اعلام اینکه
تشکیل شوراهای کازگری
اعلامی (الصته انواع دیگر
شوراهای کازگری اجسازه
سفا لیمت علمی نهاد شده و
قانونی و غیر رسمی بوده اند)
بصورت سرعت و یکجا
بوده اند و دیگر نباید تشکیل
شوند . همچنین در کازران
تصمیم حکومت ، مدتهاست
بشروع دستبند انحلال شوراهای
اعلامی موجود در کازرانجا تا
زنده اند .
بررسی رویدادها
فوق ، که در پیا پیا اعضا
اعترافات اخیر کازگری
صورت پذیرفت ، نشان میدهد
که سیاست سرکوب کازگری
کماکان در دستور کار حکومت
مستقیم و متروکه نمی باشد
دارد . ولی حکومت هنوز
آما دگی آنرا نداد که در عین
بل اعصاب تا دست به اصلاح
برده و آنرا سرکوب مطلقا
کند . چه با آنکه حکومت
خمینی از لحاظ سیاسی در
مطابقی جا مذهب آن رویروست
هنوز به افرست علمی نمودن
رودرونی مطلقا نه
اعترافات و اعتراضات
دسته جمعی کازگران
زحمتگان ندادند . چه
بیشتر مد که سرکوب مطلقا
اعترافات کازگری به گشتی
آن و عراسری شدن آن
و با ضد . ولی چنانچه
کازگری گشتی با
شروعیت با چه ، یعنی
اینها فی و خمینی
کارچ شود . هر چه
رودرونی مطلقا نه

مبارزات کازگری اعصاب -
با بضر است . جلوگیری از
تشکیل شوراهای کازگری
اعلامی و تشکیل تدریجی
شوراهای موجود اعلامی در
کازرانجا تا . از جمله بیسان
کننده اعترافات پذیرش
رودرونی مستقیم حکومت
جمعی کازگری است . یعنی
آنکه شورای فاشی جزئی
کازرانجا تا ابتدا فاشی و
هر چه رجب حدایت سیاسی
ایضا لوزیستی از حکومت ، که
اعلام آن از اجزای رسمی
این شوراهای اعلامی بوده -
اند . از این به بعد برای
ولایت فقیه تا بل قبول و
شعبه شوراهای یعنی آنکه
کازگری خواست کازگری که
بخود اعتراف حکومت ولایت
فقیه و با قبول رهبری آن
تبریکت برای حکومت
فکازگری تا بل پذیرش
شوراهای ولی این تصمیم
حکومت فاشی آنکه از جمله
نشان دهنده رودرونی
عاشق اعترافات تا پذیرش
کازگری در عین حال از لحاظ
برای حکمت گران تصمیم
خواهد شد . چه بعضی از
ایران ، که هنوز راه ترقی
شکا مل جا معرا در این
شوراهای و در قبال حکومت
ولایت فقیه چنانچه
شهر به زندگی و مبارزاتی
خواهد شد . هر چه در این
حکومت با مناسخ کازران
حتی در قبال اعتراف
بهر برده و مطلقا از حکومت
خواهد شد . در عین حال این
تصمیم به اختلافات و تناقضات
سیاسی پیش می آید . در
شروعیت تا این خواهد شد ،
زنده های از حکومت فاشی ،
در این شوراهای فاشی و
در زمانه بر سر اختلاف
نشان داده اند . به مخالفت
سیاست و با آنها که هر چه
در یک کلام اختلافات درونی

هیئت ها که بنده خواهد شد . و
این ، همانطور که در شماره
هنگامی ، خود می توانست
شرایط سیاسی از مبارزات
کازگری با عدا انحراف آن
و اعترافات و اعترافات را
به مجرای سرکوبی حکومت
فشی ، که به مجرای اختلافات
رودرونی حکومت بگشا ند .
علامه کنیم . پیا پیا
اعترافات اخیر کازگری از
جانب رودرونی فاشی نشان
میدهد که سیاست انتقال بحران
سرکوب اعترافات و فاشی
کازگری ، کماکان در دستور
حکومت قرار داده و در
چندگی رویم ضد کازگری و
کفونی قادر به رودرونی و
سرکوب مستقیم اعترافات
نشود ولی همانطور که
شومی جا مذهب و هم چنین
سیاست های حکومت در پیا
این مبارزات و اعترافات
نشان میدهد که رودرونی
اعترافات تا پذیرش
ولایت فقیه و انقلابی و
کمزور سیاسی نه فقط
تشکیلاتی و سیاسی
برای این رودرونی ، که
در عین حال آما دگی
و بیشتر این طبقه از لحاظ
برای این رودرونی است .
چنانچه مبارزات و اعترافات
کفونی کازگری در حکومت
اعترافات . و در حالت
است ولی این نکته
بهاست کازری و خود
نیز در این انقلابی و
کمزور سیاسی و بیشتر
کازگری گذشته و بیشتر
مبارزات و اعترافات
و با بدتر کز نشی به
اعترافات فاشی کازگری
گردد . بلکه هم اکنون
تدارک و زمانه فاشی
فکازگری که هر چه
که ما در دست گذار
گذشته است . به شرایط
جا مذهب از لحاظ
سیاسی و فاشی با
شرا پنی که بی سیاسی
بقیه در صفحه ۴

بفصل از صفحه اول

پن بیست جنگ هه هه هه

دقیقاً نیک با رزترین نمونه این حرکت برای رفع مواضع موجود برای اتحاد کشورهای عربی در برابر اسرائیل را نشان داد. با سدر حین سفر خود به کشورهای کویت و امارات متحده عربی و پس از لزوم خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق سخن راندند تا پشت جنبه خود را از حالت جنگ و اختلاف خارج نماید. بلافاصله بدنبال چنین حرکتی تمامی مطبوعات و رسانه های غربی از کوشش های سوریه و کویت برای رفع اختلاف میان ایران و عراق و امکان آنها بمان گرفتن جنگ تجار و زکاران عراق علیه ایران سخن برداشتند.

هر چند که چنین کوشش هایی از نظر کشورهای چون سوریه و... طبیعی و منطقی بنظر می رسند، لیکن با توجه به ماهیت ارتجاعی و وابستگی های کشورهای عربی به ابرقدرت ها امکان ایجاد چنین جنبه ای که بتواند متحدانه در برابر اسرائیل با ایستد، ناممکن بنظر می رسد. نه حکومت سوریه دارای ماهیت شرقی است و نه ماهیت ارتجاعی دولت عربی حوزه خلیج فارس و یوزده حکومت سعودی بر مردمنا روشن است و وابستگی های سوریه به بلوک شوروی و نه وابستگی های عمیق عربستان به بلوک آمریکا قابل انکار. حملات گستاخانه و اعلام انضمام بلندیهای جولان توسط اسرائیل غایب نیز در ماهیت این کشورها تغییراتی نمی دهد. آنچه که روشن است اسرائیل از موقعیت مناسبی در سطح بین المللی (بحران دو ابر قدرت بر سر مسئله لهستان) و در سطح جایی میانه (اختلافات شدید میان دولت عربی و نیز جنگ میان ایران و عراق) بهره استفاده کرده و امکان دارد بر سر بهره برداری های بیشتری از این موقعیت برای گسترش مناطق تحت سلطه و نفوذ خود خواهد بود. بنابراین آینده نیز در میان محافل آمریکایی و اسرائیلی رایج باشد که بدنبال شکست موقتی طرح فهد، تحت فشار قرار دادن کشورهای عربی خط مقدم جنگ، یوزده سوریه، آنها تا چاره قبول طرح فهد و سازش با اسرائیل گردند. لیکن آنچه در عمل اتفاق افتاده است، پوشش خوبی است که مستقیم تجار و انکار را امپریالیستی و الحاق کرانه های اسرائیل می باشد. می باشد. مواضع سیاسی در مغرب اعراب و احتمال قوی یک جنگ وسیع با اسرائیل است.

بیرونی و شرایط خاصی که در منطقه بوجود آمده، نمیتوانست در خدمت خاتمه دادن به جنگ میان ایران و عراق با حیرت آوردن شافع ایران و قبول شکست و عقب نشینی نیروهای متجاوز عراقی از سرزمین ما قرار گیرد. موقعیت مناسبی بود تا با کوشش های سیاسی دستکم متعارف، عراق مجبوره عقب نشینی از مواضع تجار و زکاران به خودگشته و عملاً دچار شکست گردد. حافظ اسد در چنین شرایطی گفته است که "این جنگ ارتش عربی را در عراق از دست ما گرفت، نیروی عظیم انقلاب ایران را ضعیف کرد" (اطلاعات اول دی ماه ۶۰).

ظا هر قبحه اینست که هم رژیم گستاخ مدام به قادر به ادامه جنگ ۱۵ ماهه سحار و زکاران خود می باشد و نه رژیم ایران با اتحادیست ارتجاعی (اعمال استبداد و جلوگیری از شکست

نیروهای وطن سرب در دفاع از منهن در شمال که حکم میبسی و نلانی در سرکوسی و ایضا در حلقان در داخل، ما در در مع حصار و میباید. چه از نقطه نظر امنی و چه از نظر سیاسی و ضمیت موی العاده بحرانی و خطرناکی مواجه شده اند. وجه از نقطه نظر نظامی امکان پیروزی قطعی یکی برد دیگری موجود نیست. "پیروزیهای" احسار ادعاشی از سوی رژیم جمهوری اسلامی بیشتر برای برکردن سوی کرناهی کیلیفاتی است و هر چند ممکن است ایضا و آنجا دستگیران وردها طی داشته باشد، لیکن در مجموع ۱۵ ماهه اخیر پیروزی قابل توجه و با نقطه عطف جدیدی بنام رزمیروند، چه در زمان بنی صدر و از این نوع پیروزیها وجود داشته و هیچ رقم داده و قالیهای حکام جبار کتونی معنی بر "تبیاحت" و کش دادن پیروزیها جنگ از سوی بنی صدر، هر چند نیز به تنها نتوانسته اند تا اساسی از پیش ببرند، بلکه در مانندی های گذشته را نیز نتوانید پیروزیها بنسند. در چنین شرایطی که امکان بهره برداری برای ما نیست، دادن به جنگ زیاد شده بود، حتی خود ما منهای نیز اعلام کرده که "حکا مکتبا و زعرای بجای آیین که پیروزیهای خود را بر سر میا روزه با اسرائیل میکنند، نیروهای عظیم جمهوری اسلامی را که عظیم میا روزه اسرائیل تا اعناق آنها ریشه دار و مصلح خود کرده اند و امروز این جریبه مغایر پیروزی دوشی حکا موایسته پیدا جاست و با درجای دیگر میگوید: "دوا رتشی بزرگ و ارتش جهیز و نیرو مند را در مقابل هم قرار میدهند و دولت را با این همه خسارت اسیر جنگ تحمیلی میکنند." و نتیجه هم میگردند: "جای شکستی نیست که اسرائیل هم از برت استاده کند" (۹ عیسه ۶۰).

نرسی مواضع حکا مولایت فقیهه جانب توجه می باشد. جبر حال پیرویشنها ذات حافظ ایده منی بر وجهه جنگ، گوئی که حکا جمهوری اسلامی، فا فلک گرفته می باشد هر یک بنفیسه جدا گانه ای بردادند. رفسنجانی اعلام کرد که "اگر لازم باشد وارد خاک عراق خواهیم شد" (۶ دیماه ۶۰) و متگینی از تشکیل ولایت فقیه در عراق سخن برداد و بنفیه "عاقله" خاتمه دادن به جنگ را قبول رهبری خمینی از سوی مردم عراق توصیف کرد. دیگران نیز در همین بروال سخن های پیروزیهای برانگیزه کردند. برخی دیگر بطور تلویحی از لزوم ایجاد جنبه واحد علیه اسرائیل دم زدند و لیکن همگان از ابراز موضعی قاطع و صریح اجتناب جستند. تا اینکه آقای ولایتی بعنوان وزیر امور خارجه بکتبی برای مذاکره با ابد ما ز می خوردند. جانب توجه اینکه در میتوسا و مجامع های قبل از بنیر آقای ولایتی امرار داشتند که موضوع جنگ میان ایران و عراق پیش کوچکی از اسرائیل چور مذاکره با استوار در برقرار نگرفت و اینکه علت اصلی بجز اول عیسه سلام پشتیبانی از کشور برادر سوریه در برابر آنها و از اسرائیل می باشد. البته حتی کوچه منبری هم پیروزیها که در چنین شرایطی برای اعلام موضع کردن خاصی که ما نیز در ایران حکام جمهوری اسلامی مفت و مجانی بیرون میروند از سوی می باشد نیست. حتی بعد از این سفر هم در ما عیبه مطبوعاتی در فرودگاه مهرآباد اعلام کرد که ما حافظ ایستد و ساعت مذاکره داشته است و املاً مسئله جنگ میان ایران و عراق به پیش نیامد (۱) و در دستور جلسه قرار داشت (۱). ممکن است با ورگردنی نما شد لیکن آقای ولایتی امرار دارد که ملت ایران قبول کند که ایشان بعدت ساعت آنهم فقط در یکی از جلسات مذاکره خود، مشغول اعلام مواضع پشتیبانی خود برای حافظ ایستد است. در مجموع میتوان گفت که بن بست کتونی این جنگ ناشی از ماهیت ارتجاعی و بی تپاشی رژیم جمهوری

بفیه از مضماع اول

لهستان ۰۰۰۰۰۰۰

حزب دروغین جای داد، و با ربه همین ترشیب هر روز گامی نویسن
 برداشته شد که مستقل از اندیشه های رهبران همبستگی، بهر
 صورت طبقه کارگر لهستان را نه در محدودۀ مبارزۀ اقتصادی
 بلکه به صحنۀ مبارزات سیاسی و اندیشه گدب قدرت بسیا سستی
 سوق میدهد و با لاکرد کار در لهستان به آنجا کشید که نبرد قطعی را
 طلب میکند. اوضاع لهستان درگیری قطعی میزن طبقه کارگر با
 حکومت ضد کارگری را که بنا طبقه کارگر اعمال میکند تسووی
 دشتی بیرونی های زان لوصفت ها رچی (شوروی) و دا غلظتی
 را می نمود. ایجاب مینمود و درست در این آستان بود که کودتای
 نظامی اتفاق افتاد و امروز و فردای نزدیک ما شا هسند
 بسیا مد های ادا مه این نبرد طولانی خواهیم بود.

✓ گفتیم که اوضاع لهستان نبرد قطعی را ایجاب میکند.
 آنها دبه همبستگی با ۵ میلیون نفر عضو در برابر حزب کمونیست
 تخطی لهستان که هر روز همدا به پیشروی از ۲/۵ میلیون عضو خود
 را از دست میدهد، قرار گرفته و در اینجا طبقه کارگر اجتماع بسسه
 رهبرانی انقلابی داشته و در آنجا میتوان از این نبرد طبقه را
 بسوی پیروزی قطعی سوق دهند. رهبرانی از نوع بارو سلاو
 دمیروفسکی کارگر لهستانی که در سال ۱۹۴۰ در پاریس در رهبری
 کمون پاریس و تشکیل نخستین دولت واقعا کارگری تا رسیدن
 نقش برجستہ ای را ایفا نمود لازم بودند. رهبرانی که بسسه
 ایدئولوژی واقعا کارگری مسلح بوده و بتوانند با قس قدرت
 عملیونی طبقه کارگر به سر بردن سویا لیست های دروغین
 برخوردارند. اما بسیای اینها در لهستان رهبری در دست لاج و الحسا
 و بیروان پاپ روم غیره قرار گرفت و نتیجہ این شد که مبارزہ در
 این جتی بیجوده گرفتار آمده است.

نقطه ضعف جنبش کارگری لهستان نه در مهارت کارگران
 در مقابل حکومت غاصب کمونیستی، آنچنان که مکتور و نازا قسقی
 تبلیغ میکنند، بلکه در اصیرا بدن این جنبش در چو رچوب
 توجهات راست روانه و اندیشه های بورژوازی و صفا فکری را ضمه
 این رهبران بوده است. حضور طبیب و کلسما و اندیشه سستی
 بورژوازی در رهبری نتیجه کارگری لهستان تا مل تشدید مقابله
 میان جنبش کارگری با حکومت نیست و ریزونیست ها و بلشویست
 گوها یان در صدهای دنیا این دروغ را پیچیده نگوار میکنند
 آنچه که در لهستان بد برای الحین صفا شده میشود آن است که این
 جریانات بورژوازی تا مل نا توانی جنبش کارگری در صفا بلسه
 با حکومت شده اند. اگر آنچنان که آقای کشا نوری رهبر حزب
 ترده ایران از کمراهی طبقه کارگر لهستان سخن میگوید بسسه
 "کمراهی" در طبقه کارگر لهستان وجود داشته باشد، در رهبری
 عدم مقابله خود را نشان میدهد و وای بر کیا نوری و ربا یانسی
 اگر که در جریان مبارزہ این "کمراهی" در طبقه کارگر قریب صان
 لهستان جای خود را به "کامی" بدیده و در آن صورت دمسا راز
 روزگار و صفا لری در رهبری لیبرالیزم روس در خوا هندا ورد؟ در صفا
 دلیلی با ربه طبقه کارگر ایران ضمن توجه به تجربه عظیم لهستان
 به این نقطه ضعف مهم آن توجه کنند و جدا نکه نیست کارگری در
 لهستان علیرغم همه تبلیغات غرب و شرق بهر رهبری سستی
 تحقیقی صفا نفع واقعی طبقه کارگر یعنی صریحا لیبرال کمونیسم
 بر آه صفا هاست و به همین دلیل هم اگر در چو رچوب اندیشه های
 معدود بورژوازی رهبران کمونیستی محمود صفا ندیا در صفا بلسه
 حکومت واریا یانسی مغلوب خواهد شد و به ناری کشیده میشود و بسیا
 حتی امروز در پیروزی نیز این رهبران از آنجا که به مختص صوای
 جنبش (و نه داخلی و ظاهری) نیست.

گشتا بود زمانی که بنا زبها لهستان را اشغال کرده بودند نتیجه
 میشود. مطابق اخبار رسیده دهها هزار نفر در لهستان در پاریس زدا رفت
 بهر رهبرند. در مقابل اعلامیه های هسته های مختلف بقا وصست
 و بسیای رهبری آنها دبه همبستگی کارگران را به مقابله فرا
 میخوانند. اوضاع لهستان با به یک جنگ داخلی تمام صیار
 تکامل خواهد یافت که در آن احتمال مدا غله مستقیم صوای
 شوروی و بیجان و رشویا زیاد است و با اینکه صران حکومت
 نظامی با یه صوفی شوند تا با کارگران با دستکم جنا صستی از
 "همبستگی" به یازشی دست یابند. در پاریس همه اینها به صران
 فرایند اقتصاد لهستان خود تمام می میکنند که بهر صورت در
 حال و آینده در تشدید صفا در آن جا صمد شقی قطعی ایفا خواهد
 کرد.

رویدادهای لهستان چنانکه قبیل از این هم گفته ایم از
 یک صونای از ور شکستگی سویا لیسم دروغین نوع روسی در
 نتیجه های اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک و از صوی دیگر معمول
 طبیعی نزاع یک جنبش کارگری با یک نظام ضد کارگری است.
 کار طبقه این جنبش که از یک در آستانه سال ۱۹۸۲ به سر کسز
 توجه تمام صفا یان مبدل شده است از سال ۱۹۴۰ و اختصاصا ب
 کارگران کشتی سازی لندن در بندر گدا ننگ در پاریس
 قیمت ها با زمیگرود. گو مولکا رهبر حزب ریزونیست لهستان در
 آن دوران در آن روزها به ارتش و پلیس فرمان آتش گشودن بر
 روی کارگران اجتماع را صا در گردودها کارگر و باطل رسانند.
 اما نهایت کارگری لهستان در صفا نروزها از آنچنان اندر تسی
 بهر صورت ار شد که به سر کتاری گو مولکا مضر گردید. گریک که نه یه
 در پاریس و ریزونیسم برای رهبری دولت و حزب لهستان جری
 صفا تا این کشور را زنگنه های روبه افزایش موجود که از صصال
 ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۸۰ یک سلسله سیاست های کلاسیک ریزونیستی
 را دنبال نمود. از با زگردن در های مملکت بیروی بر ما بسسه
 گذاری های شرق و غرب گرفته تا تکیه بر انگیزه های سود پرستانه
 در پاریس رهبری اقتصادی همه آنچه که در صفا ن خرو جقی ها در
 کار صرحان. بمشا به تکامل خلق سویا لیسم جا رزده میشود
 توسط گریک بکار گرفته شدند و نتیجہ این شد که در صصال ۱۹۸۰
 لهستان با بحرانی عمیق راز بحرانی ۱۹۴۰ روبرو گردید. موج
 صفا و ست بر بر کشید و گریک نیز از کار بر کننا شد و اکنون توسط
 و ریزونیست های خرو جقی به طرف صصال کردن سیاست ها می که
 خود اس ریزونیسم خرو جقی است. هر زمان بهر رهبری بسره
 و در سال ۱۹۸۰ به این سو هر روز جنبش کارگری لهستان در
 زمینه های اقتصادی سیاسی گام های جدیدی به پیش برداشته
 است که ما در صفا ردهای گذشته از آن سخن گفته ایم. آنها دبه
 همبستگی شمارہ روزگار در ره صفا تحقیق بخشید و موجودیت خود
 را به صوان آنها دبه مستقل کارگری به دولت واریا صصال
 گریکین تحصیل کرد. ۱۰ میلیون کارگر لهستان را در صروف خود
 مده خود و نزدیک به ۴۰۰۰۰۰ نفر از صفا ی حزب کمونیست
 لهستان را از این حزب به صروف خود جلب نمود و صفا نا مه های
 آنان را همچون سند ور شکستگی کمونیسم دروغین در پاریس صفا

پنجاه و هفتم
 لهستان

وفادار نیستند در فردای پیروزی ما صد آیت اله خمینی است
 آنچنان که در ایران مشاهده کرده ایم، بالاخره در پشت نهضت
 خنجر فرو خواهند کرد.

* * *

یکی از خصوصیات انواع و اقسام رویزیونسم با ارتداد
 از مارکسیسم نفی نقش طبقه کارگر در انقلابات این عصر و
 بخصوص نفی توان منحصر بفرد این طبقه برای رهبری و هدایت
 جامعه در راه سوسیالیسم و کمونیسم است. رویزیونست ها همواره
 در حرف از اهمیت طبقه کارگر سخن میگویند اما در عین حال
 همیشه میگویند بنا به مریضانه ای طبقه کارگر را به دلایل مختلف
 از انجام رسالت تاریخی اش باز دارند. در ایران رسالت
 رهبری ملت در کسب دموکراسی و استقلال از جانب حزب سوده و
 سرکار به آقای خمینی و پیروان خط او سپرده میشود و طبقه کارگر
 ایران موظف میگردد که به چرخ پنجم را به ای تبدیل شود که این
 حضرات سیوار بر آن جامعه ما را بسوی پرتگاه و ورشکستگی و انحطاط
 گام می گشایند و اگر آقایان رویزیونست های پیرو خط
 استبداد سیرمی که چرا چنین است جواب میزنوی کد در ترا بسط
 خانی تا ریخی ایران رسالت رهبری سردوش اما خمینی ایشانده
 است و ایشان هستند که با بدعت در اتحاد با حکام مسکوحا معه ما
 را بسوی آینده "آباد و آذوقه فانی" هدایت کنند. سؤال
 چینی که پیش آنهم سخن درباره اهمیت و لزوم رهبری طبقه
 کارگر چه شد و جواب میزنوی که در شرایط خاص ایران مسئله
 به گونه ای خاص مطرح است و در این وضعیت فعلا رهبری طبقه
 کارگر را بعهده است و این تنها در ایران نیست که رویزیونست
 بسبب ها در همه جای دنیا از این حرفها میزنند و تا زه سخن بر سر
 رویزیونست های روسی و پیروان آنها هم نیست بلکه اگر در
 گفتار رویزیونست های نوع سوسیال دموکراسی اروپا یا نوع
 جدید یعنی یا نوع کمونیسم اروپا شی و غیره و غیره هم وقت کنسی
 بنا ز این مسئله یعنی نفی نقش و توان طبقه کارگر از میان
 کلیات قضای موضوع میتوان دید.

اما تاریخ نهضت کارگری جهان و تجربه انقلابات جهان
 همه حاکی از این هستند که طبقه کارگر تنها طبقه تا به آخر انقلابی
 است و این واقعیت که کارگران با ابزارهای تولید کارخانه ای
 و در محیط کارخانه همچون بولاد برای مبارزه و رهبری آیدیده
 میشوند درسی است که مارکسیسم لنینیسم واقعی از اینهمه
 تعبیر گرفته است. طبقه کارگر بدلیل آنکه جز نیروی بسا روی
 خود سرمایه ای ندارد جز زنجیرهایی که در کارخانه های سرمایه
 داری این نیرو را برای استفاده سرمایه داران (جد از نوع
 خصوصی و جه از نوع دولتی اش) به سار ت کشیده است چیزی
 برای از دست دادن ندارد و بخاطر زمان یافته در تولید
 بزرگ و همبسته صنعتی بطور طبیعی آماده "همستگی" در سربد
 برای آینده ای هستند که در آن از استعمار اثری نباشد.
 نموده نهضت کارگری لهستان و همبستگی کارگران
 لهستانی در مبارزه، اگر یک درس بزرگ داشته باشد همین است
 که طبقه کارگر در جهان کنونی سنان نیروی رهبری گذشته

یک انقلاب بطور عمسی به ما سر کدا سداست. اراس نظر حوس
 لهستان بخودی خود افتنا گراننده های روبریونست هاست که
 میگویند تا این رسالت را نفی کنند. اما برای روبریونست هاست
 رویدادهای لهستان حای تا سف سیختری دارد چرا که به تنها در
 لهستان طبقه کارگر به میدان آمده و رهبری را بدست گرفته است
 بلکه در این بمیدان آمدن طبقه کارگر لهستان به مصاف با دولت
 این آقایان بر حاسته است یعنی به مصاف با دولتی برخاسته
 است که دعای رهبری طبقه کارگر را بر مبنای اندیشه هسغانی
 روبریونستی داراست! بیداست که در چنین وضعیتی چگونه
 امثال کیانوری در سراسر جهان فائیه را با خنجر فرو خواهند کرد
 تنگ آمده است به جنگ گونی برده اجته اند.

اخیرا آقای کیانوری در مقاله ای که بنا مصا هسسه و
 "پیش و پاخ" منتشر شده است گمراهی طبقه کارگر لهستان را
 علت رویدادهای این کشور دانسته و به این ترتیب فاجعه
 رویزیونسم در نفی رسالت طبقه کارگر را به یک بتمکمه جدیدت
 آشکارا طبقه کارگر در زیر لای ایدئولوژی طبقه کارگر تکا مسل
 داده است. آقای کیانوری بصمتفاد است که در لهستان که طبقه
 کارگر آشکارا به میدان میا زده میایی وارد میشود این طبقه
 گمراه شده است چرا که اگر گمراه نشده بود به حکومت کرنش میکرد و
 سرش را پاشین می انداخت و بکارش مشغول میشد. آخر طبقه
 کارگر به مفهوم مورد علاقه آقای کیانوری در ایران ما بسد در
 مقابل رژیم خمینی سرش را پاشین بیاندازد و بکارش سرگرم
 با شادونا بر هیژی هاشی را از قبیل اهتمام بسا رزه و انقلاب را
 به خاطرش منظورند چه برسد به لهستان که ملک طلق آریا بسا
 مسکوت و در آنجا که دیگر مدبا رهبریش از این بیاد طبقه کارگر
 تسلیم امیال آریا با ن کیانوری گردد. آقای کیانوری
 نمیتواند با ور کند که حتی در ایران طبقه کارگر در برابر حکومت
 با ج و تلاق با بستد آنوقت چگونه میتواند بیدد برد که در لهستان
 این طبقه به سربد با حکومتی بر خیزد که نوع سوده روی سرمایه
 دارانش دقیقاً همان نوعی است که گمراهی عمری و در ادب را
 تحقق آن سرمایه گذاری کرده است. آقای کیانوری درست حدس
 زده است. طبقه کارگر لهستان گمراه شده است اما این گمراه شدن
 از نوعی است که هر چند بیکبار و متا ریخ جهان کارگران کشورهای
 مختلف به آن دچار شده اند این گمراه شدن از نوعی است که
 تا ریخ جنبش کارگری در شرح آن نوشته شده و این گمراه شدن
 همان گمراه شدنی است که به هیت واقعی را و کجا خوری هادر نتیجه
 آن پیدا خواهد شد و بنگ و نفرت ایدی کارگری را برای امثال
 او و آریا باش به ر بجان خواهد آورد.

* * *

رویدادهای لهستان موضوع نظر میدهد که آنچه بر لهستان
 و کشورهای اردوی سوسیالی امپریا لیسیم روس حاکم است سوسیالیسم
 نیست و شدیداً ضد کارگری میباشد. مدتها پیش ما نوشتیم که این
 امپریا لیسیم و سرمایه داری سوسیالیسم نشان بر ژنف ما ننند دامنی
 خروسی نشان که هیچ ربطی به خروس ندارد و کوچکترین ارتباطی
 آنچه که سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری برای نابستد
 استعمار است ندارد. این سوسیالیسم دروغین در حقیقت نوعی
 سرمایه داری دولتی است که با تکیه بر اصل سودآوری در سرمایه
 ریزی اقتصادی نیروی کار طبقه کارگر را در خدمت منافع منشی
 سرمایه داران در راه دولت و مدیریت استقامت دو مقامات بسا
 حرب و ارتش کشورهای اردوگاه "شرق" حاکمند استعمار میکند.
 امروزه مسلیون کارگر لهستانی با ایستادن در برابر است
 سوسیالیسم دروغین شاهدیا ز این جریان هستند. سفیه در

حقیقت

شماره ۱۵۲

سپه از صفحه ۲

من است هنگ ۰۰۰۰

اعلامی میماند. در ارتباط با سفر ولایتی به سوریه و احتمال
بمشترو وجود ندارد، اول اینکه شروط غیر قابل قبولی از سوی
امریکای خائمه دادن به جنگ ارائه شده و دوم اینکه علیرغم
ارائه شروط قابل قبول، نمایندگان جمهوری اسلامی از وارد
شدن در بحث خائمه دادن به جنگ ظفره رفته اند. عواهد نشان
میدهند که احتمال دوم بسیار قوی تر است، چه در صورتیکه شروط
غیر قابل قبولی در مذاکرات مطرح شده بود از جمله میخواستند
بطور علنی مطرح شده و موضع روشنی اتخاذ گردد. بنا بر این
آنچه که از مجموعه اطلاعات موجود میتوان نتیجه گرفت همان
اینست که احتمالاً دولت جمهوری اسلامی میخواهد از نقطه نظر
منافع سیاسی خود این جنگ شعله‌ور را با نپذیرد. در درجه اول
پدیده لحاظ کند که ادامه جنگ علیرغم نتایج فداکت با اقتصاد
آزادگی پیش از ۲۲ میلیون نفر مردم ما، آنقدر ارزش سیاسی
برای حفظ موقعیت سیاسی در میان توده و بهره برداری بر علیه
نظریه های انقلابی و مخالفت خود دارد که ادامه آن تا حدودی
تقریباً مساوی با ادامه حیات منظرها کمیت موجود است.

و تا نیا دست و پای ارتش که یک نیروی بالقوه مخالف این
رژیم است در این جنگ گیر است و بازگشت آنان از جبهه
جنگ به تضعیف موقعیت حکام غاصب کنونی می انجامد. و تا آنجا
اینکه آنها را با دستکم برخی از آنان تصور میکنم بندگان این
جنگ را میتوانند منافع خود را با نپذیرد. در درجه اول
هراق و برنگون کردن مداخله جنگی عراق را نیز بر سر خط
ولایت استبدادی عقبه کشند. لیکن آنچه که بطور قطع میتوان
گفت همانا اینست که حکام غاصب کنونی حاضر به ادامه دادن
به این جنگ نمیستند.

انقلابیون ایران همواره خواستار پایان دادن فوری به
تجاوزگستاخانه و جنگی است که رژیم فاشیستی صادر کرده و
در هر لحظه از ادامه دادن به جنگ شروط برای اینکه نیروهای
متجاوزان را خاک همین عقب نشسته و خسارات وارده مشترک کرده
پشتپناهی خواهند کرد تا هر چه سرسبزتر با بیخ و بن و بنیادهای
مختلف تکلیف این حکام را کف دستشان بگذارند.

ایستادن

آب میریزند. تبلیغ مومنا لیتی بودن شوروی واقعا سازش
دقیقا بها طرفیایی که در لیستان روسیا امپریالیسم به
آورده است. سود سرما به داران آنها شده است. امپریالیسم و
سرما به داری نوع غربی هم معتقدند که شوروی مومنا لیتی و
کمونیستی است. آنها اتفاقا قیام استفا سه همین موضوع به جلال
با کمونیسم برخاسته اند و این درست در همین رابطه است
که ضرورت افتای ما بهیت امپریالیستی اردوی شوروی مستمرا
تر بهیت ایدئولوژیک طبقه کارگری در مبارزه بر علیه امپریالیسم
لیسم آمریکا و دیگران است. همین ضد کمونیست مدتی در می شود
کمونیسم انقلابی این چنین مبارزه ای را می طلبد تا راه
گسترش اندیشه های بورژوازی در ظروف طبقه کارگری برود و
جای تا صفات که تبلیغات یا راه ای از انقلابیون ما نه تنها در
این جهت سیر نکرده است بلکه با معرفی کردن شوروی به عنوان
کشور سوسیالیستی و با طرح کا ملاً غلط عمل وقتایی ما نشاند
لیستان در حقیقت به طبع سلاح خودشان در مقابل امپریالیسم و
ارتجاع دست زده اند. با شدت و قیام لیستان که در آن صدها
رویدادهای انقلابی، جناب شرقی آسیا (کا سو)، وقتا به
آنگولا و همچنین وقتا به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ اتفاق
می افتد، در این عرصه با شدت آنها که چشم خود را بر حقیقت
سرما به داری بودن و امپریالیستی بودن شوروی کنونی و
اقتصادی بسته اند بخود آینه در آینه راه واقعی طبقه کارگر که راه
مبارزه بی اما ن و همه جا به با رو بیونیسم است بجهت نشاند

اخبار

کارگران کارخانه قند شیرین به بهانه عدم اختصاص
ساعت نماز به ساعات کارکردشان در نماز جماعت شرکت نمودند
و از همین اعلامی کارخانه هم زیر بار پرداخت نرفتند است. این هم
را کارگری به رانندگی از کارخانه همین میباشد. از او کسی
خواست که آنها هم غیرت کنند و نماز نخوانند ...

دگرگانه

دگرگانه چینی چین، کلاسهای اجباری سوادآموزی
و سواد یک "خواهرزینب" برای کارگران دانشی زن کارخانه
داشته اند که در زیر لوای آن تبلیغات صومالی علیه شوروی
های انقلابی به عمل می آید. و تا زه صبر از این میکنند که
با است این کلاسها ما میان ۲۵۰ تومان از کارگران دریا نیست
کنند.

نگته ای کوتاه و بدون تفسیر

درکش و قوس است با کارگران ایران تا سونال، مدبرعامل
بودند، نگه داشته قبل از آنجا با خبر بر سر کار آمده، برای کارگران
بختراخی کرده و میگویند که "ما (یعنی کارگران) هیوانا ت و وحشی
پاشی هستیم که کسی (یعنی خصمی) میخواهد ما را آدم کند و کسی
خودمان نمیخواهیم" و "من میخواهم که کارگران می سرود"
کارگری در جواب میگفت که "خودشان میگویند که در روز قیامت از
کارگران حتی سؤال وجواب نمیکند، حالا ما که ایم چه سوال
و حتی دوبا؟" دیگری میگفت که "اما گفته اند ملت کارگرند و وحشی
خدا میخواهد که کارگران است، پس چرا با کارگر چنین میکنند؟"

بهبود روشی

بهبود روشی مستقیم
تبدیل به مسئله روز شده است -
روايات اقتصادى - ختى با تاكتيك
حاصلت را زكرو صحت گنوشى سرعت
میتوانند جنبه صیای بفرود بیاورند
وگا ملا به یک رودر روش مستقیم
مطمئنند با حکومت فعلی منجری
گردد. و آنگاه آن نیستی
انقلابی و کمونیستی که به ما -
روايات اقتصادى طبقه کارگر دل
بسته و با به تکلامل خود بخورد

مبارزات سیاسی به نیازات
مصلحتا تبدیل خوشی کند به سرعت
غا فلکیر شده و نخواهد توانست
از عهد به ساختن بیوظایف
مرکزی اش که قیام بر علیه
حکومت خودگانا مصلحتی است
برآید. را می که از آنجا به
تا قیام در جنبش کارگری
با به پیچیده شود در شرایط
مفرضی بصر است به پیچیده خواهد
شد. در این مورد ما زهم باید
نوشتیم!

اجبار

نشد بهیچون شک با یا فرض استماع محدود خودت چنان که در نیمه دوم سال ۵۷ نشان دادند، با طرفه حال رذل و فرومایه ولایت فقیه و همدستان رذل تویشان بعضی شده است و آنها اکثریتی ما که در لباس طرفداری از سوسیالیسم و طبقه کارگر است تا دستکم و شکوه هستند که رگران را سزایزل کرده و شراطی را بر خود آوردند که بسا بیورش های اولیه را تاج از هم بکنند، جواب تمام این زورگوشی ها و حق کفشی ها را خواهد داد، چنان که بدست اینان، محمد رضا شاه و هموم دادند.

در کارخانه بریجستون شیراز

حقیقت های گذشته تا حد بسیار زیاد که رگران بر علیه طرح استثنای دولت بودیم، قطعاً از این قرار بود که طرحی بنا مطرح میگردید، ما که با نظر فداکارانه کار به مدیر کارخانه ابلاغ میگردید. مدیر کارخانه این طرح را با طرخی دیگر که به وسیله مسوولان و هیئت مدیره تنظیم میگردید به قسمت های کارخانه ابلاغ میکنند. گویا اعتراض کارگران رو بر رو میگردید و همگی کارگران قسمت های مخصوص قسمت تولید و پختن این طرح را فدای کاری خوانند و نوارده میکنند. کارگران میگویند این طرح دست طرح های زمان شاه و از پشت بسته است. جوین طرح از این قرار است که طرح مسوولان بهره وری ما مانده، در هر ماه مقداری پول به حقوق کارگران اضافه می شود (از دستومان تاجا وزن میکنند). این طرح با طرخی که به وسیله هیئت مدیره کارخانه تصویب میگردید طرح کارخانه ای بوده و برای این نوع بظ زبیر به کارگران عرضه شده می شود که نسبت به طرح جدید می شود.

- ۱ - کارآیی، خلاقیت، کارآیی، کیفیت کار و طول زمان انجام وظیفه (۶ - ۱۲ - ۱۸ - ۲۲) % ۲۲
- ۲ - وقت شناسی و حضور و غیاب (۶ - ۱۲ - ۱۸ - ۲۲) % ۲۲
- ۳ - رعایت مقررات ایمنی و بهداشت (۲ - ۶ - ۹ - ۱۲) % ۱۲
- ۴ - قابلیت تطبیق، همکاری، علاقمندی به آموزش و تبحر و مسئولیت و قدرت اخذ تصمیم (۳ - ۷ - ۹ - ۱۲) % ۱۲
- ۵ - کوشش در تحویل مایمات و صرفه جویی در مواد (۲ - ۷ - ۹ - ۱۲) % ۱۲
- ۶ - حفظ و نگهداری ماشین آلات و ابزار کار (۴ - ۷ - ۹ - ۱۰) % ۱۰
- ۷ - رعایت مقررات شرکت (۲ - ۳ - ۴ - ۶) % ۲۴
- ۸ - شایستگی و الی آخر.

مسوولین فکر میگردند که با گشتن اینکه این طرح از طرف دولت آمده و هر کسی که این طرح را قبول ندارد در دنیا دولت و مسوولان در آنجا و ... میتوانند کارگران را مجبور به قبول این طرح کنند ولی تا بحال از طرف کارگران مقاومت نشان داده شده است.

A * A

تا زگیها و زیر نفست مادهای را به اجراء آورده که بر طبق آن اگر کارگری در حین کار دچار حادثه ای بشود و جان خود را از دست بدهد یا دچار نقص عضو گردد، هیچگونه مزایایی به خود و خانواده اش تعلق نمیگیرد. این موضوع باعث شده که کارگران شیفت شب به لاینگا همی را ز کمتر کار کنند (کم کاری) چون در شب به نسبت خواب آلودگی امکان اشتباه و در نتیجه حادثه های کارگران بیشتر است. به علاوه کارگرانی که برای اندازه گیری نفست و بنزین و غیره با پدالی تا تنگهای عظیم میروند، به حالت پوسیدگی سر تا تنگها و احتمال سقوط در آنها، کمترین دردت به این کسار میگذرد و اغلب اوقات اندازه های را که میدهند از خودشان در میان آورند. این کم کاری و عدم دلسوزی کارگران و کارمندان ما لاینگا همی را از فصل اولیه و مقدماتی آن در برابری زورگوشیها و قلدریهای عمال حکومت ولایت فقیه! بیت کارگران

بعضی قهقش فراوان و شکایات متعدد از اوایل انقلاب موسسین میباشند و بعضی نیز از سپاه برای دستگیری فتوای معروف مصطفی به نام قوه قضائیه، بنده بسیار ورنند. کوهستانی که نفوذش مسوولان است و ده بود و به قول دهقانان سر بازان مصلح داشت افراد سپاه را دستگیر و در طویل زندانی میکند. سپاه با اقدام مجسده او را دستگیر و به زندان می اندازد، بعد از چندی دادگاه سپاه بر "غیر اما ممدطلب" تصمیم به آزادی او میگیرد و این خیر بر دست سپاه می رسد. دهقانان که تعدادشان حدود یکصد نفر بود با چندواضعت در تاریخ شهریور ۶۸ آزادی جاری به جلوی دادسرای مشهد آمدند و سپاه اعتراضی برای ادای شهادت بست می نشینند، به گفته یکی از دهقانان، کوهستانی قهقش از انقلاب یک دهقان پیر را زنده زنده چال کرده بود. دهقانان از دادسرا جواب میا عدسگر رفتند و با نا اطمینان از دادسرا اکنون زمینها جنبش مسلحانه آماده کشته است.

A * A

در شیراز و ما یکی از بسیار زمین بنا مضموره دهقان (هوادر چیکار) در اهواز بیست جلادان رژیم ولایت فقیه تیرباران شد. بجز از برای حکم زبیر در شقایق ۳ هزار تومان پول و بیست دستگوشی میکنند. پدران دردمند به گمان اینکه با مداران قصد آزاد کردن پدرش را دارند با دلی پرا میگردند و دستگیر را بسپارند. دادگاه انقلاب اسلامی اهواز میبرد. در آنجا بجای پدرش، بهرگه ای به حش میگردند و میگویند "جسد پسر را از مردگان تحویل بگیریم و رضنا اجازه برگزاری مراسم سوگواری را هم ندهد". این است بهره پسران جلادان سادست. این جانوران بسا تیرباران جوانان عزیز این مرز و بوم نظیر خونخوارستان ارض، ضعیفی و پسران اسلام او گمان نکنند که از شفا و غضب و کین جوانان و برادران جوانان تیرباران شده جان سالم به سدر خواهد برد!

A * A

در تبریز جان رژیم جلاد عینی یکی از انقلابیون هوادر ما زمان مهاجرت بین مرثیسی را اعدام میکنند و از طرف سپاه بسا تا بر آید. او گفته میشود که حق برگزاری مجلسی ضمن انذار دولتی علیه رفقا این اخطار را عفا خواهد کرد همراه با عده کثیری از اهالی تبریز جان با چشم و کین انقلابی و با شمارهای "غریب از ظلم بزیه" و شعارهای انقلابی "شهدا راهت ادا کرده اند" در گورستان دست به تظاهرات میزنند و علیه رفقا کتف با تداران، شهیدان میرده و در گورستان اصلی شهردان میکنند و این در حالی بود که بسا جوانان با چشمان او صدقه در آید به شما تا بر آید خسته و جرحست هر گوشه حرکتی از آنان سلب شده بود.

اما از سوی دیگر سلسله گوهای امپریالیستی چه نوع میگویند (که مناسبتان معلوم است) وجه نوع و انگیزش اصرار دار سید کسبه نظام حاکم سرلیستان را سوسیالیستی بشمارند و سر مردم جهان را این صفت را ضرور هم گفته شده عقیده کنند. سخن سکو و بیسروانش واضح است تا اگر چه در بر خود ریشه و اقصیات منحصره بنظر سیر صدام مهر طاق اینها میگویند که در لیستان توطئه های بی علمیه سوسیالیسم را این کشور را با افتادهاست و با صوفی امتیاز ده از پاره های اشکالات کار را سدا اینجا کشیده است. گفتیم مسخره است چرا که واقعه ایست این است که طبقه کارگر لیستان نیروی اصلی این توطئه "خنگارگری" و ضد سوسیالیستی است و بنا بر این عقیده است که بزرگ تمام سوسیالیست ها را سکو دود می شود و به هوا می رود. اما مسئله تئوریکات فیلسوف سوسیالیست پیچیده تر از این است و درست در همین رابطه است که یک مسئله جدی برای انقلابیون و بخصوص پیشروان نهضت کارگری سوسیالیست می شود که ما در این سطور به بحث بپردازیم. آن خواهیم برداشتیم که زمان کاروی کار در مکتب حکومت نظامی در لیستان در غرب یک موج تسلیحاتی در اقصای کمونیسم برافزاید خفته است. سرمایه داری غرب با استفاده از نظامی بر انحطاط سوسیالیستی ایران با لیبیم میگرداند کارزار را به نفع یک ضد کمونیستی خود را بر راه اندازد و طبقه کارگر را در صراطیها ن به صراطیها که با کمونیسم سوسیالیست که به دوری چنین از آن به بنا به یک مکتب شکست خورد و به دوری دهه اخیرا جمله تا به جای آمریکا در اولین شماره سوسیالیستی ۱۹۸۲ خود در یک مقاله ۹ جلدی که تشریح ضد کمونیستی خود را در استفاده از تاریخ لیستان شده و ذکر کرده و نوشته است تا تا بسجند کند که:

"لیستان در یکسال و نیم گذشته، جها ضیان بیستگ درسی آموخته است... و آن اینست که کمونیسم به عنوان یک وسیله کار و زبان با این اقتصاد پویا بین رفیقا اعضای یک جا همه شکست خورد و از بین رفت."

دوسرا سر این مقاله را با استناد به آنچه امروز سوسیالیست امپریالیسم در جهان انجام میدهد تلافی شده است تا جمله "فیضی را با شواهد و مدارک اثبات کنند و نگذرد به دراز بین است که به آنچه مورد استناد قرار گرفته کمونیسم و بهر آن شکست آن نیست بلکه ضد کمونیسم و سرمایه داری دولتی نوع روسی است. و آنچه که این مقاله نسبتا تمام از این جریان را پیچیده و بلکه تشریحی از کارهای تبلیغاتی غرب و حضور گلیس توسط تعدادی نیروهای ضد کمونیست در جهان در خصوص به دعوی لیستان (پیشگفته سوسیالیست) تدبیر کردن ها را بیخ بنده است البته لازم است تا به این مسئله در جایی مناسب رسیدگی کنیم و نشان دهیم که چرا آنچه گفته در لیستان میگذرد در حقیقت با آنچه در لیستان واقع شده است. سرمایه داری است که غرب میگوید تا برای آن توجه بخواند. اما در اینجا سخن ما در این باره نیست. سخن سوسیالیست انقلابیونی است که در جامعه ما و بخصوص در میان طبقه کارگر اندیشه سوسیالیستی بودن نیروی واقفارش را تبلیغ میکنند سخن با کسائی از قبیل صاهدین خلق و گروه های انقلابیست فدائیان و "راه کارگر" و دیگران است که میبایست مواضعی سیاسی شوریک را بدو نوز یک خود در واقع نه تنها در میان طبقه کارگر سرمایه داری امپریالیستی و به سوسیالیسم سوسیالیست که به این سرشبه و با شواهد کارزار را بدو نوز یک امپریالیسم در واقع در آسیا با اینگونه تبلیغات غرب نیز

محمور شویم یا زهم ترض کنیم... (اطلاعات دهنگی ۶ آستان). اخیرا نیز مواذ کربنی در مجلس پس از اذاره به استکه پیشنهاد شد: غلای اسکنا بر افاده شده میگوید: "در رابطه با نیارهای دولت سه تا مین امتزارات حدود ۱۲ میلیار در وقت صد میلیار ریال اسکنا بر افاده دولت قرار گرفته" (اطلاعات ۹ آذر). ورود این حجم اسکنا بر در گردش بدون افزایش تولید و سرمایه واردات سخت به صورتها مینمیزند که سودش به جیب عده ای گردن کلفتیست. دلایل واردات بی ضرورت و فشارش نصیب مزدبگیران و زحمتکشان میگردد. رهنمودهای اخیر خپنی و مقامات مملکتی به مسردم برای سپردن پولیای بیای به با سکا خود نشا نگر نهیستی دولت میباشد.

اسکنا بر دیگر کارهاش از در زمین گیری اخیر شورای عالی اقتصاد خود را مینمایاند که طبق آن خروج ارز بر مبنای ضرورتها با بد صورت گیرد. بدین مفهوم که برای کالاهای "غیر ضروری" گشایش اعتبار رسمی شما بند که این مسئله به کمبود کالاهای غیر شسته از دنیا دستور و هشی در صورت ادامه فطعی منجر خواهد شد تمام اکنون نیز طلاهای این وضع بهبود را با بستن تعدادی از کارخانجات و بهیجا رنمودن کارگران نشان داده است. شواهد و قرائین بر آنست که بحران اقتصادی که هم اکنون گریبان خامنه با را گرفته است رومیه و خامنه میروند و نوده مردم و کارگران بیکار شده و که در این گرائی قیمتها از حقوق نا چیز خود نیز محسوس می شود. میخورد در تنگنای جدیدتری قرار خواهند گرفت و به نظر نمی رسد سیر سده که حکومت بتواند خود را از این ورطه نجات دهد چرا که به با وجود وضع فطعی با زار رفتی جهان و بحران اقتصادی غرب شما با استناد را داشت که خریداران زیادی برای نفت ایران میدی که میتواند اقتصاد ایران را از این گرداب نجات بخشد و وجود داشته باشد از طرف دیگر نیز بلوک شرق خود را بحران و جنگناهاست بهیچوی که قسمت اعظم واردات ایران شامل مواد غذایی و مواد اولیه کارخانجات است (در سال ۵۹ حدود ۸۰ میلیارد دلار) که بلوک شرق نمیتواند از طریق شما مسلمات شما تری با سخوی این نیارها باشد چرا که از یک سو مواد غذایی در بلوک نیز کم است چه رسد به اینکه به ایران با در کنند و از سوی دیگر نیز از آنجا شیکه قلب کارخانجات ایران وابسته به کشورهای غربی هستند اکثر مواد اولیه آنان نیز با پیدا زانها تا مین گردند.

بنابر این دورنمای وضع اقتصادی ایران شدید هر چند بیشتر بحران و سیر آن به طرف فطعی و کمبود شده کارها و مریانی سرمایه و ضرور خواهد بود که با توجه به جو فطقان و استناد شما می نزدی تسلط خود را در انجا رتوده های مردم نشان خواهد داد. دور نیست روزی که توده های رنجسرا ایران و در مریشان طبقه سدا کارگر قهرمان که چند سال پیش به پای آزادی و استقلال ایران جوسها دادند بدو سرمایه غریبه و انتقام خویش را از شما شین به این آرمان مقدس با زبس گیرند و چه سخت خواهد بود انتقام غلوس و السلام.

پنجاه از صفحه ۱۵
استقلال اقتصادی

نری می آوردند. بنا ملاقات سیاری دست مرید. در این مورد
جمهوری اسلامی شده؟ آیا این میگوید: "موقعیت بسیار در
بازارهای نفتی حیاتی برای ما است. بدون تولید منابع طبیعی
لذا ایران با تبدیل شدن به یک کشور نفتی، می تواند به
باشد. چنین اعتباری در شرایط کنونی اکثر کشورهای شرق
هستند." بیرو این سیاست، مذاکراتی با کشورهای اروپایی
شرقی انجام داده اند. سوئد، سوئیس، فنلاند، دانمارک و
مشرقی و غربی اروپا. در حالی که سوئیس (به جز اروپا) به
در روز) و سوئیس (به جز اروپا) به سوئیس (به جز اروپا)
آقای غرضی نیز در مصاحبه ای میگوید: "ما سعی داریم
به زودی را به صورت تغییرنا پذیر نگاهداریم." (اطلاعات ۱۹ آبان)
به یاد آید که در گذشته سیاست ما ملاقات تنها تری تنها به شرق
محدود می شود و بیروسیاست "هم شرقی، هم غربی" (اطلاعات ۱۹ آبان)
حال غرب نیز میگردند. مذاکراتی که اخیراً با ایالات متحده
جرمانی است. ما هم این مدعا است. بهیچ وجه نمیتوانیم
۳۴ دلار غرضی در مصاحبه ای گفت: "مشرقیان به نفت ما تمهیداتی
ملاحظه می کنند که بعد از عربی و نفت ایران، به زودی
اجرای "قراردادها نبودند، حتی که در اجلاس اخیر اوپک
امکان پیدا کند که به این صورت قراردادها را اجرا کنند و
روایتی که با یمنی بین فروشنده و خریدار و با شد از سوئیس
(پاریس ۱۹ آبان). حال که روابط حسنه بین فروشنده و خریدار
برقرار شده به دست فروش نفت در هر چه حدی است. اما
مورخ ۳۴ آبان ما در این نفت ایران را ۳۵۰ هزار بشکه
نموده. یکی از مقامات مسئول وزارت نفت این
تکذیب نمود و گفت ما در این نفت ایران ۷۰۰ هزار بشکه
(پاریس ۱۹ آبان). اگر غرضی بین ما و دعای مقام مسئول
کنیم ما در این نفت هم اکنون نیز در حد اکثر حدود ۳۵۰ هزار
است."

بدین صورت ما در این نفت ایران چه پیش از آغاز جنگ و چه
پس از آن تا حال حاضر به نسبتاً در سطح ۷/۵ میلیون بشکه در روز
نیوود بلکه سرمایه کمتر از آن بوده است که اولی تا شریایی
مسئله خالی شدن خزانه دولت است. اما تا برای اینکه نفت ایران
در حال حاضر حتی به همان قیمت تثبیت شده اوپک یعنی ۳۳ دلار
هم فروش ضرر دارد. آقای غرضی در آخرین مصاحبه تشریحی
خود ما را زده کرد که توافق شده است که به شرط پرداخت ما به
بهای نفت ایران، نفت خود را از ما بخرند و بخرند (چیزی
۳۰/۳ دلار). ضررگزاران فرانسه نیز غرضی قیمت نفت ایران
را بشکته ای ۳۰ دلار گزارش کرده که این امر "توقیف" مورد تکذیب
مقامات اسلامی وزارت نفت قرار گرفت. اما در این حال از اعلام
ترخ رسمی فروش نفت ایران نیز خود را می گویند (اطلاعات
۱۹ آبان) که خود این امر تا شیب که می شود در نرخ نفت ایران از
شرح اوپک است.

"حکمتی" ما برای تقابل با خالی شدن خزانه دولت
دست به چیزی آنگاه یعنی ترکیب رترین سیاستی که بتواند
انگازند و در این سیاست با عت افزای سرمایه مایه و تورم
می شود که تا ریش مستقیماً برگرداند و چنگکنان این جامعه و
می آید. سانسکی در مصاحبه ای در این باره میگوید: "پیش بینی
دولت این بود که بتواند با فروش نفت به آن اندازد و از آن
آبیت بود که خود را تا زمین کند. که ما می توانیم
نفت در حال حاضر خیلی کمتر از آنست که ما تصور می کردیم. این
است که اخیراً از ما بیک غرضی کرده ایم و این ما می توانیم
بفید در صفحه ۸

حالب اینجا که درست در زمانی که هرگونه اضافه تولیدی
تنها و ضعیف کارکنان امپریالیستی تمام خواهد شد.
حکومت "مذاکره با لیبت" از اولویت فقیه محبت از افزایش تولید
نفت میکند.
حال که وضع بازار جهانی نفت و قیمت تولیدکننده های
اوپک بدستمان آمد بهتر می توانیم وضع نفتی ایران را درک
سازیم.
حتی پیش از آغاز جنگ و پیش از آمدن موقعیت اقتصادراری
کامپی. دولت دچار کمبود ارز بوده چنانکه آقای نیسوی در
مصاحبه ای میگوید: "ما پیش از جنگ هم دچار کمبود ارز
و هم دچار کمبود ذخایر ارزی، چرا که بودجه ما از نفت تا
سیصد دلار لیکن به جای ۲ میلیون بشکه نفتی که می
می توانستیم در هر سال به دست آوریم، تنها به دست
آوریم ۲۰۰ میلیون دلار. (ذخایر ارزی مسدود شده در آمریکا که
پس از قرارداد انگلیس الجزایر به ایران باز می دادند) وضع
ما از نظر ارزی بدین بود (اطلاعات ۴ مهر). پس از آغاز جنگ
نیز با تشنگی ما بدان که ۶۰٪ فرآورددهای نفتی را تولید
میسود، غیر قابل استفاده بودیم ما برای اینکه ما مشکل
کروما نشاء غیر خرابات قابل توجهی وارد آمد و تا برای
ما در این نفت از آنجا انجام می گرفت مورد تهدید قرار گرفتند.
در ۲ ماه اول جنگ میتوان گفت که تقریباً تولید نفت متوقف
شد پس از آن نیز در سطح یا شیبی ادامه یافت.

در اوایل سال ۶۰ نیز دولت رحاشی اناسی بودجه تنظیمی
خود را بر فروش ۷/۵ میلیون بشکه نفت گذارد و دولت فروش نفت
هرگز از سطح ۱ میلیون بشکه در روز بالاتر نرفت، گرچه با
فروغ از آن پاشین تر نیز بوده است. شوربختی در مصاحبه ای
غیرگزاران فرانسه آمد ما نمود که از اوایل فروردین ۶۰ ما در این
نفت ایران بطور متوسط ۱ میلیون بشکه در روز تولید
(اطلاعات ۱۰ آبان).
پس از آن در اوایل تابستان امسال، مسئله درگیری
فرهنگیان نفت ایران یعنی آمد که بواسطه وجود ما را در نفتی
حالی که ما به قرارداد خود با قیمت های سابق نبودند و تقاضای
قیمت کمتری را می کردند. این خریداران شامل ۴ گروه
و کمپانی های بل و سربیش پترولیوم بودند که در حدود ۴۰۰ هزار
بشکه را ایران نفت می خریدند (پاریس ۱۹ آبان) و قراردادهای
خود را بصورت مطلق درآوردند و این همزمان با کاهش تولید
اکثر کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) بود که ما در سال
داشتیم. بنا بر این بطور یقین ما در این نفت ایران در این
چند ماه بسیار نزول یافت و فشار زیادی بر ذخایر ارزی وارد آمد.
بزرگترین دلیل بروز این وضع فروش نفت ایران در این
اینست که آقای غرضی که در مرداد ماه فرزند خود را
حتی اگر تمام کشورهای قیمت نفتشان را کم کنند، ایران قیمت
نفتش را کاهش نخواهد داد. در این ماه قیمت نفت ۳۳ دلاری
پیشنها دی عربستان موافقت نمودند. در همین زمان نیز
که به علت از دست دادن خریداران غربی ایران روپسوی بلوک

استقلال اقتصادی، ریل نفت و سیاست رژیم ولایت فقیه

(یا دداشتی در حاشیه تبلیغات حکومت بر سر مسئله فروش نفت)

(۲)

بالا بردن تولید داخلی از سوی دیگر هند و برنارگذا ریدن کشورهای تولیدکننده را برای پائین آوردن قیمت نفت سپرداشته اند بطور مثال آمریکا در همین اینکه از اوقات نفت خام خود را کاهش داده است. از سوی دیگر تولید نفت خام خود در خلال پناه اکتیویسم روراند ۸۲ هزار بشکد از ایش داشته است و اطلاعات ۲۳ آوریل

از عوامل مهم دیگر برچوید آمدن چنین بازار بود ۴ بیاباست عربستان در تولید هر چه بیشتر نفت در جهت اشباع بازار و همچنین و با انشید کما حق قیمت نفت بوده است. در نتیجه این تغییرات در تولید نفت خود را از ۸ میلیون بشکه در روز به ۱۵/۵ میلیون بشکه در روز رسانیده و اینجاست که در پی فروش نفت در کشورهای دیگر که در این امر بهای بیشتری میباید بپردازد. اینجاست که با عت گردیده که نفتشان دستگران خریداران حاجی را انداختند. با عت انرا من تولید کشورهای غیر عضو آرپک میباشد. بطور مثال در طول سال ۸۰ تولید مکزیک ۴۲۲ و دریای شمال ۱۵٪ افزایش یافت (تا ۹ مارس ۸۱).

تمام مسائل بالا دست بدست هم داده و ما را در دستگیری و بوجود آورده اند که فشار زیادی بر کشورهای عضو آرپک - سوئیس ایران و ارد آورد بعدی که شما می آید این به سیاست عربستان و کاهش بیای نفت خود دادند و ما استعمال هم اکنون نیز از نفتسوزی فروش نفت خود با اشکالات فراوانی روبرو هستند برای ششپان نشریه، بتزول و کار بر روی نفت: "طرح تولید نفت آرپک کسب او ابر شیر بوزنه ۱۹/۱ میلیون بشکه در روز تقابل بر ایت رژیم ایران کاوش تولیدی از کشورهای استعین بوده است:

کشور	خواهرده (میلیون بشکه در روز)	تولید داخلی (میلیون بشکه در روز)
ایبسی	۱/۱۸۰	۲/۱۵
چراق	۲/۸۹۲	۰/۲۲
نیزه	۱/۷۸۵	۰/۲۲
کویت	۱/۵۸۰	۰/۲۲
الجزایر	۰/۹	۰/۲۵

(مقتبل از اطلاعات ۲۱ سپر)

بدینی است که این شرایط بر فروش نفت ایران و سوئیس تا نیردا شده است، این آثار را به افشاری و آگاه بر کرده است. کشورها که اغلب نیز نفتی برای فروش روزمره خود به پول میبندند. احتیاج دارندشان میدهد حتی اکنون نیز با ششیت قیمت فروش ۳۴ دلار و کا حق تولید نفت عربستان به نظر میورد که وضع تسروش نفت بهتر شده باشد، چرا که تازه بقول زکی بیانی بازار معدسی "سوازی" پیدا کرده است، البته "سوازی" یعنی آمریکا است که در همین حال عربستان نیز شهید شده است که هر کجا ما را کشورهای قبل از ما مار سال ۸۲ برانر تسفیر وضع بازار اقدام به افزایش قیمت نفت ما شد ترسختان بلافاصله آگاه میباشند و افزایش تولید خود جراه دشود. (پرس ۲۱ آبان)

دسبالد اسمارد، لیس هم اکنون عرضه سراسرهای نفت، بازارهای جهان را اشباع نموده و روراند ۲ تا ۳ میلیون بشکد نفت افافی بر روی درساها رود دارند. علاوه بر اس، کشورهای واردکننده نفت نیز دست میزدند و سازی مقادیر زیادی از نفت رده اند که از اجیبا نشان بد خریدار میکاهد. در اس مورد نشریه "سرویسوم اریطیجی ویکلی" سوس: "هم اکنون حدود ۲۰۰ میلیون بشکه نفت در بازارهای جهان وجود دارد. کند سود مسز ان لاجا برقی اینا لات منحه آمریکا حدود ۱۵۰۰ رور و ذخایر نفتی سایر کشورهای غیر مکزیک و غیره همین حد است" (سندسپانر پورین ۲۶ سپرین). دلیل موجود آمدن چنین ما را در نفتی و ذخیره های بد بوده است؟ ما سنی میکنیم بطور مختصر بدسترس جابل آن اشاره کنیم:

بحران اقتصادی که اکنون در میان کشورهای غربی راکر شده است یکی از عوامل حیم که من تقاضای نفت بوده است. هم اکنون بسیاری از کارخانه ها تعطیل شده اند و با ظرفیتهای کمتری از گذشته کار میکنند و این پدیده سوخت کمتری احتیاج دارند. در حال حاضر در آمریکا ران در کشورهای غیر مکزیک از ۲۵ میلیون بشکه در روز به ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. در کارخانه ها و واحدهای صنعتی استفاده میشود، در حالیکه در ایبسی کشور صدمین ۸/۵ میلیون بشکه در روز (اطلاعات ۹ آذر) نکته دیگر اینکه بد علت قیمت بالای نفت، کشورهای مصرف کننده نفتی در برجه جوش در نفت نموده اند و اینا اینکه تسلسلای کردید از منابع دیگر انرژی برای مصارف خود استفاده نمایند. با هم احتیاج به نفت نیست راکا حق دهند و از این طریق فشاری بر کشورهای صادر کننده برای کم کردن بیای نفت وارد آوردند. طبق آمار تقاضای نفت کشورهای مصرف کننده در ۱۹۸۰، ۸۰٪ و در ۱۹۸۱، ۸۱٪ نیز کم شد (تا ۹ نوامبر ۸۱) و بیسیا تقاضای جهانی نفت از ۵۲/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۷۹ به ۳۹/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۸۰ رسیده است (اطلاعات هفتگی ۶ آبان ۱۶۰). تقاضای جردمرا آورده های نفتی جسدی کا منی باشد که با لایتکا های اروپا مرسان در حال تعطیل هستند و با جدا کتر ۵۰٪ ظرفیت کار میکنند، در حالیکه در بحروران سال ۷۳ با لایتکا ها با ظرفیت ۸۰٪ کار میکردند (پرس ۲۵ بهار). اشکالی بحران اقتصادی و کاهش مصرف نفت در کشورهای مصرف کننده، به صورت کاهش واردات ایگوندگترها بوده است. بطور مثال واردات نفت خام آمریکا در سال ۲۵،۷۶٪ کاهش یافت یا بعد تا ۹ مارس ۸۱ و با واردات نفتی از اس سز از ۹۹ میلیارد بشکه در سال ۱۵/۳٪ تقلیل یافت. اما در ۴ آبان و با واردات نفت از اس سز از ۱۵/۳٪ تقلیل یافت. اما در حال جاری سخی ۲،۱۹ سبب دما کنای تمام در سال گذشته س با سبب (اطلاعات ۸ آذر). البته سبب با سبب اما تسود کد کا حق واردات نفت خام اس کشورها ما ناخی از بحران اقتصادی و یا صرفه جویی سزود سبب کد انبا تا تغییر سیاست نفتی خود، یعنی وارد کردن فرآورده های پالایش شده از یکسو و